

## (( غم ————— دیر خم ))

یا: ( جایگاه ابلاغ امر پروردگار نسبت بخلافت و جانشینی رسول اکرم (ص) )

« یاایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک » کاروان حجاج سال دهم هجری در خدمت و ملازمت و مصاحبت رسول اکرم ( ص ) و قائم عظیم الشان خویش از اعمال و مناسک حج فارغ گشته و از زیارت خانه خدا و انجام وادای فریضه بزرگ دینی بسی شادمان و دلخوش بودند که در خدمت پیشوای بزرگ خود و فرستاده خداوند منان و طبق دستورات و تملیحات عالیه مبارک او مراسم دینی را انجام و پایان رسانیده اند از اینرو با دلی پر از نور حق و انبساط خاطر و با امید رسیدن بخانمان و تجدید دیدار فرزندان خود دیگر ونج و زحمت سفر را احساس نمی کردند تلهای شیخ و بیابان سوزان را یکی پس از دیگری پشت سر می گذاردند - زنک شتران با آهنگ مخصوص هدی اعراب و زمزمه و همهجه آنان توأم شده بود. بعضی از مسافری که سفر صحرا نکرده بودند از پیمودن بیابانهای بی سر و ته ملول شده بهر جا که میرسیدند می پرسیدند نام این بیابان چیست؟ چه وقت بآب خواهیم رسید؟ کجا کاروان مکه از ما جدا خواهد شد؟ اینجا بیابان غدیر خم است

یکی گفت در این بیابان هم امیدی بآب نیست دیگری گفت از اینجا هم باید عبور کرد آن یکی میگفت مکان مناسبی برای منزل کردن نمیباشد.

در این میان صدای منادی پیغمبر بانوای دلنواز خود در آن فضای وسیع بیابان طنین انداز کردید که کلیه حجاج را بتوقف در آن مکان دستور میداد چه صدای فرح بخشی و چه نوای دلنشینی و چه توقف و درزنک با عظمتی که با مرعظیم برود کار انجام گرفته است؟ سوارها مهار ناهها را میکشیدند - پیادهها بعتب بر میگشتند - سکوت آمیخته با حیرت در بیابان همگی جمعیت را فرا گرفته و قریب هفتاد هزار نفر حجاج را تعجب و شکفتی دست داده بود - چه واقعه ای رخ داده است و قضیه از چه قرار است؟ چرا پیغمبر امر بتوقف صادر فرموده است؟ از این جهت حق داشتند که همگان با حرص و ولع فراوان خود را به رسول گرامی نزدیک کنند تا زودتر قضیه را کشف و علت توقف را بداند چند هزار نفر رسول خدا را در میانه گرفته و جستجو میکردند. اطرافیان پیغمبر رسال شتران را در محلی روی هم میکشیدند و از آن چهار شتران منبری ترتیب دادند.

بلی آیه نازل شده بود : یا ایها الرسول بلغ ...

رسول خدا بی درنگ فرمان دادشتر مرا بخوا بانید و رفته گانرا خبر دهید و عقب افتادگان شتاب کنند و خود را زودتر برسائند که امر مهمی باید ابلاغ کنم .

رسول اکرم (ص) در حوالی ظهر بالای منبر رفت و قریب سه ساعت بالای منبر «همان جہازشتران» توقف فرمود و چندین آیه از قرآن برای مردم خواند و ۷۳ بار بخطاب «معاشر الناس» مردم را برنوش و آتیه خود متذکر نمود و قریب یکساعت مولی الموالی امیر مومنان را سردست گرفته با تمام مشخصات بمردم معرفی کرد آنکاه فرمود : «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» گفت هر کس را منم مولا دوست - این عم من علی آقای اوست چه عید از این بالاتر و چه مژده ای نیکوتر ؟ که رهبر کل بشر و منجی عالم انسانیت سرور انبیاء برگزیده اصفیاء - پیغمبر آخر الزمان و مفضل عالمیان در حضور هفتاد الی یکصد و بیست هزار نفر مردم حجاز بسرهم و داماد خود را بامر قادر متعال بخلافت و امامت منصوب میفرماید . عید غدیر ( هیجدهم ذی حجه ) در حقیقت از بزرگترین ایام تاریخی است و عیدی است که بنص آیه شریفه :

اليوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا .  
امروز ( ای پیغمبر ) دین ترا کاملترین ادیان قرار داده و نعمت خود را بر تو تمام و کامل و خشنودی خود را نسبت بدین اسلام و این نعمت ( خلافت و امامت ) اعلام میدارم پس از انجام امر حق و معرفی فرمودن حضرت امیر را بخلافت و ولایت و امامت و انشاء و ایراد آن خطبه مفصل و بلیغ و فصیح که در کتب بزرگان و تذکره نویسان مدون است رسول اکرم (ص) از چهار شتران بزرگ آمدند صحابه حضرت باعلی بن ابیطالب همگان بیعت نمودند که از جمله آنان عمر بن خطاب بود که با حضرت امیر بیعت نمود و دست در دست او نهاد و گفت : بیخ بیخ لک یا علی اصبحت مولای و مولا کل مومن و مومنه

گوارا و مبارکباد ترا ای علی صبح کردی در حالتیکه آقای من و آقای هر مومن و مومنه هستی . علماء برجسته و دانشمندان اهل سنت این تهنیت عمر را در کتب معتبره خودشان نقل کرده و گویند که بسیاری از صحابه بزرگ و معروف در این بیعت شرکت داشتند براء بن عازب که از بزرگان علمای اهل تسنن است در تفسیر خود از سفیان بن عیینه روایت کرده است که : روز غدیر ختم رسول خدا مردم جمع کرد و گفت : من کنت مولاه فعلی مولاه این خبر شایع گشت چون خبر بشارت بن نمان فہری رسید بخدمت رسول خدا آمد و گفت : تواز طرف خدا ما را بگفتی : لا اله الا الله - اقرار بوحدانیت خداوند و رسالت و پیغمبری خود و نماز خواندن و روزه گرفتن و زیارت خانه خدا نمودن فرمان دادی همگی فرمان ترا پذیرفتیم و قبول کردیم با اینهمه راضی نشدی تا اینکه دست بسرعت را گرفتی و او را بر ما برگزیدی و فضیلت دادی . آیا از پیش خود اینکار را نمودی یا از طرف خداوند دستور داشتی ؟

رسول خدا سو کند یاد نمود که بامر و دستور خدا بوده است حارث روی بگردانید و  
میرفت و میگفت خدا یا آنچه را که محمد گوید هر گاه راست و حق است صاعقه از آسمان  
آید - صاعقه از آسمان فرود او را هلاک گردانید . « سئل سائل بعذاب واقع »  
محمد بن جریر طبری در کتاب : الولاية بهفتاد طریق حدیث غدیر را نقل نموده است  
فهر بن جرزی که از اکابر متأخرین اهل سنت است در رساله خود « اسنی البطال فی مناقب علی بن  
ابیطالب » اثبات توأتر این حدیث را از هشتاد طریق نموده و منکر آنرا بجهل و عصبیت نسبت داده است  
پیغمبر فرموده : من نازع علیاً الخِلافة بعدی فهو کافر کسیکه در خلافت  
علی بن ابیطالب منازعه و جدال کند کافر است .

اکنون برای آگاهی بیشتری بعضی از جملات حضرت رسول اکرم (ص) که  
در غدیر خم انشاء فرمودند یاد آور میشود معاشر الناس ان علیاً والطیبین من ولدی هم  
الثقل الاصفی والقرآن هو الثقل الاکبر .

مردم علی بن ابیطالب و ائمه طاهرین و اوصیای گرامی و عزیز من ثقل اصفی  
و قرآن ثقل اکبر است و هر یک از این دو مصاحب و رفیق و موافق یکدیگر و از  
هم جدا نشوند تا وارد حوض کونر گردند .

اینان پیشوایان خلائق و امانت خداوند و هادیان و راهنمایان بندگان در روی زمین میباشند .  
معاشر الناس هذا علی اخی و واعی علمی و خلیفتی علی امتی مردم  
این علی (که من او را بلند نموده و بهمگی شما معرفی میکنم) برادر و وصی  
و نیکبدارنده علم من و خلیفه و جانشین من بر امتان خواهد بود - علی شما را  
دعوت بطرف حق نماید - علی خلیفه رسول خدا است بامر خدا - علی امام و هادی و راهنمای شما  
است خداوند دوست دارد کسی را که علی را دوست داشته باشد و دشمن دارد دشمنان علی را .

ثم قال ایها الناس هل تعلمون من ولیکم لا قالوا نعم الله و رسوله - قال  
الست اولی بکم من انفسکم ؟ قالوا بلی ثم اخذ بیده امیر المؤمنین فرغه حتی بدله للناس بیاض  
ابطیه ثم قال من کنت مولاه فهذا علی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه  
و انصر من نصره و اخذل من اخذله (ای مردم میدانید که ولی و اولی و اولی بتصرف در امور شما کیست؟  
همگی گفتند که شما هستید ای رسول خدا پس از آن گفت خدا یا تو شاهد باش (سه بار این جمله را  
تکرار فرمودند) آنکاه دست علی را گرفتند و بلند نمودند بطوریکه تمام حاضرین علی  
را بر روی دست پیغمبر اکرم مشاهده نمودند و دیدند سپس چنین فرمودند ای مردم  
هر که را من مولی و آقا و اولی بتصرف در امور او باشم - علی نیز چنین است  
مولی و آقای او خواهد بود خداوند امانت باری کن باری کننده علی را و دشمن بداد دشمنان علی را  
ابوعلی سینا فیلسوف و حکیم عالیقدر ایرانی گوید: پایگاه دانش علی در مرتبه ایست

که عقل آدمی در پرواز بدان فروماند و در اشعار خود چنین گوید :

تا باده عشق در قدح ریخته اند      و اندر پی عشق عاشق آمیخته اند  
در جان و روان بوعلی مهر علی      چون شیر و شکر بهم در آمیخته اند

اگر هزاران سال زنده باشم و در هر سال هزاران بار روز عید غدیر الحمد لله الذی ... الخ بخوانم مادامیکه اعمال من بسا اعمال علی بن ابیطالب مطابقت ندارد من شیعه نیستم. شیعه آنکسی است که پیرو عملی علی بن ابیطالب باشد.

علی بن ابیطالب آنکسی است که آنی از عبادت خدا و خدمت بخلق فارغ نشست منکه آنی عبادت خدا و خدمت بخلق نکرده ام آیا شیعه خواهم بود؟

علی بن ابیطالب میگفت مال مردم مال مردم. مال من هم مال مردم. من که

میگویم مال من مال من. مال مردم هم مال من چگونه شیعه علی خواهم بود؟

علی بن ابیطالب میگفت من نمیتوانم به بینم که در اطراف من شکمهای گرسنه باشد بیشک ما

که کمال کوشش را در ربودن آخرین دم مردم و مکیدن خونشان بکار میبریم شیعه نخواهیم

بود. علی بن ابیطالب نتوانست تحمل کند که از پای یک دختر یهودی که در پناه اسلام بود خلع

در آورند ولی آنان که بخوردن مال مسلمین و تضییع حقوق مردم افتخار میکنند توقع دارند

شیعه علی باشند. آیا خدا و رسول و علی را میتوان فریفت؟

حسن محبتی شخصی

فردوسی پس از غضب سلطان محمود غزنوی نسبت برافضی بودن خود گوید:

مرا سهم دادی که در پای پیل

تنم را بسایم چو دریای نیل

نترسم که دارم ز روشندلی

چو باشد ترا عقل و تدبیر و رای

امام غزالی گوید: علی در علوم پیشوای مطاعی بود که همه در اینراه از او بیروی کرده اند.

آری امام در آن مرحله از خلقت جایدارد که اندروم نکنجد. یعنی امام مراحل

عدیده خلقت را قویا سیر کرده و آنچه اندر وهم ناید آن شده.

رسول خدا (ص) فرمود: لو ان الانس کتاب والجن حساب والاحیاء اقلام والبحر

مداد ما احصوا فضائل علی بن ابیطالب (۴)

کتاب فضل ترا آب بحر کافی نیست که تر کنند سرانگشت و صفحه بشمارند

بدیهی است کسی که در دامن آن بیت پینه ببری مانند محمد بن عبدالله (ص) پرورش یافته و فطرت

پاکش بامکارم اخلاقی سرشته شده باشد آشکار است که دارای چه فضائل خواهد بود. فضائل

علی و مکارم اخلاقی و آداب و صفحات تاریخ بشر را چنان درخشان و روشن نموده که با همه اعمال

غرضها و حقد و حسد پرده پوشیهای معاویه و اعمال خیانت پیشه و جنایت کار او هر بیننده را خیره میکند

خلاصه اسلام علی را چنان تربیت نموده که در میدان فضائل استاد علم و

مهرقت - مرآت عدل و قضاوت - نابغه فصاحت و بلاغت - سرچشمه تدبیر و سیاست

قهرمان تقوی و فضیلت، آینه ورع و عبادت - خورشید برج خلافت و امامت میباشد

در حدیث معتبر وارد است: لو اجتمع الناس علی حب علی بن ابیطالب لما خاق الله النار.

اگر همه مردم بر حب و دوستی علی بودند خداوند آتش دوزخ نمیآفرید

آنرا که دوستی علی نیست کافر است

امروز زنده ام بولای تو یا علی

گوزاهد زمانه و گوشیح راه باش

فردا بروح پاک امامان گواه باش